

سی ان ان: آمریکا به دنبال راه فرار
از جنگ با ایران است.



کارتون: محمد علی رجعی

مزایای
قطع برق!

کمیک / صفحه ۸

پشت پرده جلسه محرمانه
جوان سازی جامعه

گیر کتی / صفحه ۵

زردی که خودش را
قهوه ای کرد!

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲



زردی که خودش را قهوه‌ای کرد!



مرداد: درحالی که تصاویری از استقرار یک سامانه پدافندی در زمین گلف ترامپ منتشر شده است، او وانمود کرد از احتمال ترورش نمی‌ترسد و گفت: صافانه بگویم، من نگران هیچ چیز نیستم؛ هرچه می‌خواهد باشد، شما موضع من را می‌دانید؛ برایم اهمیتی ندارد. (جراید)

شهریور: ترامپ گفت: رسانه‌هایی مثل همین سی‌ان‌ان فاسد و نیویورک تایمز جعلی با وقاحت زیاد و به دروغ می‌گویند: من به دلیل ترس از ترور در دریاچه کنار زمین گلف، ناو جنگی مستقر کرده‌ام. بله، دروغ آن‌ها، راست است، چون ما عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین

تجهیزات را داریم که کسی مانند آن‌ها را قبلاً ندیده است. تصور کنید اگر بایدن خواب‌آلود به جای من بود، موقع بازی گلف چند نفر را با پلخمون و تفنگ بادی دور زمین گلف به عنوان محافظ شخصی خودش مستقر می‌کرد، ولی خب حواسم نبود. او مثل من گلف بازی کردن بلد نیست و از چوب گلف به عنوان عصا استفاده می‌کند. اگر یادتان باشد، او جلو ملکه انگلیس، با دستگاه گوارش خود، آبروی آمریکا را به «باد» داد و ما را تحقیر کرد، اما ما آمریکا را دوباره با عظمت خواهیم کرد.

مهر: ترامپ در متنی که در شبکه ایکس منتشر کرد، نوشت: به خاطر اینکه توپ داخل آن سوراخ برود، سوراخ زمین گلف را یک کوچولو، بفهمی نفهمی بزرگتر کردیم. یک خانم بسیار زیبا که دوست همسر من است و زمین شناس است، وقتی آن سوراخ را دید، گفت: عه! این سوراخ در زمین گلف دقیقاً به بزرگی همان سوراخی است که چند میلیون سال پیش شهاب سنگ‌ها ایجاد کردند و باعث انقراض دایناسورها شدند. اما بعضی‌ها نتوانستند این موفقیت بزرگ را ببینند. اکنون کنترل ورود و خروج همه توپ‌ها به سوراخ زمین گلف با ماست و هیچ عوارض آسمانی بابت ورود توپ گلف به سوراخ پرداخت نمی‌شود. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم. دونالد جی ترامپ!

آبان: ترامپ گفت: امروز یک موشک سیستم پدافندی، یک پرنده را که در زمین گلف پرواز می‌کرد، به عنوان دشمن متخاصم تشخیص داد و آن را در هوا منفجر کرد. اگر آن پرنده هدف قرار نمی‌گرفت، دیگر هیچ زمین گلفی در آمریکا وجود نداشت. ما می‌خواستیم به زیستگاه اصلی پرندگان هم حمله کنیم؛ بزرگ‌ترین حمله پس از جنگ جهانی دوم! اما عاصم منیر تماس گرفت و از من خواست فعلاً صبر کنیم. دموکرات‌ها که زمان او با ما مقدار زیادی پول به ایران دادند، می‌گویند ترامپ با آتش پدافند، زمین گلف خودش را هم سوزانده است. اما ما دوباره زمین گلف را خواهیم ساخت و آن را سبزتر از قبل خواهیم دید؛ سبز پررنگ، سبز خیلی پررنگ، خیلی خیلی پررنگ! خواهیم دید چه خواهد شد.

ارز دهه‌هشتادی زیر کولرگازی!

- سلام برق!
- سلام گاز!
- کجا می‌ری برق!؟
- ای جان! ای جان! دارم می‌رم از ایران! دارم می‌رم از ایران!
- نروووو! تو که مثل من نمی‌تونی دووم بیاری، نروووو!
- احترامت واجبه گاز! اما حرف از موندن زن که هیچ خوشم نمی‌آد! کی واسه من قد یک جرقه قبض برق پرداخت کرد تا من واسش ۲۰ ولت رو کنم!؟
- آخه برق! تو که بگیر بودی! اهل کات و ول کردن و رفتن نبودی!
- گاز! با این هزینه‌ها دیگه نمی‌شه گرفت! بگیر، خشک می‌شی!
- پس فازت چیه برق!؟
- مگه فازمتری گاز!؟
- منظورم اینه وقتی می‌ری، کجا می‌ری!؟ یعنی نیستی، کجا هستی که اون هستن، این نیستن رو باعث می‌شه!؟
- از توی علمک خونه جواد خیابانی رد شدی گاز!؟ من می‌رم مزرعه که ارزآوری داشته باشم!
- ارزآوری مال من و نفته، برق که ارزآوری نداره، تازه واسه ارزآوری باید بری خارج، نه داخل!
- ارزی که من می‌آرم، فرق فوکوله گاز! کاغذی و فیزیکی نیست، رمز و دیجیتاله! از مزارع داخلی هم تأمین می‌شه!
- مزرعه که مال گوجه خیاره! موتور گازسوز مخم دچار افت فشار شد برق! جوری توضیح بده که بفهمم، وگرنه گازت می‌گیرم ردش ب نمونه!
- ببین گاز! توی تابستون که هوا گرمه و زیاد مصرف می‌شم، من از کنتور و خونه‌ها و مصارف شخصی می‌رم توی ماینرا و مزارع و مصارف غیرمجاز تا ارز تولید کنم؛ عرض کنم که ارزم هم از اون ارزی بی‌عرضه قدیمی دهه شصتی نیست که سگ جون باشه با بادبزنی دستی و پنکه سقفی خنک بشه؛ ارز من اکتیو و جدید و دهه هشتادیه که سوسوله، واسه خنک شدن فقط باید زیر اسپیل و کولرگازی باشه!
- باز هم نفهمیدم برق! ولی حس می‌کنم بوی حرفای سیاسی و گاز CO2 و مرگ خاموش و قطعی گاز داره می‌آد. پس هرجا می‌ری، براق باشی برق! خدافظ!
- پرگاز باشی گاز! خدافظ!



کُخ تو رُخ



۲ آغاز بهره‌برداری از ایستگاه بسیج خط ۲ قطار شهری با حضور شهردار مشهد



شهردار رفت به بچه‌ها بگو همه چراغ‌ها رو روشن کنن کولرو بذارن رو درجه آخر پختیم از گرما.

آفرین که صرفه جویی می‌کنین و نور و دمای ایستگاه به اندازه‌ست.

۱ رئیس جمهور و وزیر علوم در چهل و ششمین سالگرد تأسیس جهاد دانشگاهی



۱ تاکسی سفر اشتراکی گرفته می‌که ما زودتر پیاده شیم بقیه شو پیاده بریم که رئیس جمهور کرایه تاکسی رو حساب کنه!

۳ از الان برای بنزین ۸۷ تومنی باید مانور اجرا کنیم قربان! بد می‌گم!؟

۲ صراف؟ راست می‌گه؟ چطور دلت اومد؟

۴ در حاشیه فرار ترامپ با کامیون حمل غذا در فرودگاه ترکیه



۲ نه، چیزه، سوءتفاهم نشه، بوی دونالد! از وقتی سوار کامیون حمل غذا شده، بوی تخم مرغ آب‌پز گندیده می‌ده، از چندمتری ش هم نمی‌شه عبور کرد!

۱ پیف! این بوی کوفتی چیه؟ ناسلامتی سن و سالی ازتون گذشته، زشته، رعایت کنین، حالا درسته ما حیوونیم، ولی دیگه این قدرم نفهم نیستیم.

۳ زندگی عادی مردم در سواحل تنگه هرمز



۲ شاسکول! تنگه مگه طاق داره؟ آبه همه‌ش.

۱ همچین شوت می‌کنم بره بچسبه به طاق تنگه.

۳ اخبارو نمی‌شنوی مگه؟ تنگه رو بیستن، عین گل کوچیک شده، خیلیم طاق داره.

به کریستیانو رونالدو چه نوع وامی تعلق می‌گیرد؟

عرضه بیشتر کالا، باعث کاهش قیمت می‌شود کاملاً اشتباه بود؟ اگر این طور است که آن جوایز نوبل اقتصاد که این‌ها گرفتند، خرج دوا و دکترشان شود! **گردن‌گیرترین مسئول هفته:** یک عرف پذیرفته شده و قدیمی و معمول در بین مسئولان است که هر ناکارآمدی و نقصی را به مسئول قبلی نسبت دهند. اما معاون وزیر نیرو در یک ابتکار جدید، به جای اینکه تقصیر را گردن مسئولان قبل ترترترترتر انداخته و گفته است: ناترازی مربوط به دو دهه قبل است. به هر صورت هر کاری، حتی اگر اشتباه هم باشد، یک آدابی دارد. مثل اینکه دانش‌آموزان کلاس چهارم یک دبستان اگر گندی زدند و مثلاً شیشه کلاس را شکستند، به جای اینکه تقصیر شیفت صبحی‌ها بیندازند، بگویند تقصیر کلاس چهارمی‌هایی است که الان ترم چهارم دانشگاه هستند!

نظر شما، آن‌هایی که این ۲ میلیارد دلار ارز صادراتی را برگرداندند، آیا ۱۱۶ ریال هزینه ارسال پیامک هشدارآمیز را هم حساب کردند یا خیر؟ البته پیامکی که آن قدر هشدارآمیز است که می‌تواند ۲ میلیارد دلار را برگرداند، حتماً باعث شده است حساب کار دست طرف‌های مقابل بیاید و آن ۱۱۶ ریال پول پیامک را هم حساب کنند!

بیشترین تخم هفته: معاون وزیر جهاد کشاورزی از سه برابر شدن تولید تخم مرغ بومی با به کارگیری فناوری‌های جدید خبر داد. این خبر بدان معناست که هنگام بازی جذاب، مهیج و بی‌نظیر «یه مرغ دارم روزی دوتا تخم می‌ذاره، چرا دوتا؟ پس چندتا؟» باید به همه عده‌های مد نظرتان ضریب سه بدید. فقط سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا با وجود اینکه تولید تخم مرغ سه برابر شده، قیمت آن چهارپنج برابر شده است! آیا این حرف اقتصاددانان که می‌گفتند

عجولانه‌ترین ازدواج هفته: همان طور که حتماً اطلاع دارید، کریستیانو رونالدو و جورجینا رودریگز با هم ازدواج کردند. سؤالی که ذهن آدم را حسابی مشغول می‌کند این است که آیا رونالدو پیش از وام ازدواج، وام فرزندآوری دریافت کرده بود؟ آیا می‌شود اول وام فرزندآوری گرفت بعد وام ازدواج؟! آیا به زوجی که چند سال است بچه دار شده‌اند هم وام ازدواج تعلق می‌گیرد؟ حالا گیریم که با وام درخواستی کریستیانو رونالدو موافقت شد، آیا کسی حاضر است ضامن کسی بشود که تیمش آخرین بازی خود در جام جهانی را باخت، درحالی‌که مهدی طارمی و تیمش بدون شکست جام جهانی را ترک کردند؟! **مفیدترین پیامک هفته:** مسئولان اعلام کردند که ۲ میلیارد دلار ارز صادراتی با پیامک هشدارآمیز برگشته است. می‌بینید؟ فقط با یک پیامک هشدارآمیز، آن ارز صادراتی که قرار نبوده برگردد، برگشته است. اما به



امیرحسین پنجه‌باشی

سُرسُر

مخبر الشعرا

لته

در حاشیه خبر رسیدن گوشت بوفالوی هندی به سفره ایرانی

کارگروه حل مشکلات کشور

- پنجه‌ها، قضیه این گوشت بوفالو چیه؟ ضرر نداره؟ 😊
- قربان، اصلانگران نباشین. عالیه. ملت می‌خورن، حال می‌کنن. 😊
- بوفالو کدوم بود؟ 🤔
- بوفالو دیگه؛ شبیه گاو، یه کم بزرگ‌تر از گاو، شاخای بزرگ داره، سیاهه. 🐮
- بابا همون رئیس پلیس «زوتوپیا» دیگه! یه کم انیمیشن ببینین، خودتون روبه‌روز کنین جان ما. 🐮
- اون که می‌دونم چیه! می‌گم اصلاً این رومی شه خورد؟ جویده می‌شه؟ 🤔
- آره بابا، من باهاش کتلت درست کردم، عالی شد. فردا می‌آرم هیئت دولت، همه تست کنین. 😊
- خب خدا رو شکر این هم حل شد. فقط برای گوشت گوسفند و گاو چه برنامه‌ای داریم؟ 🤔
- قربان، اون هم حل شده. یه وام خوب می‌ذاریم برای خرید گوشت اقساطی؛ مردم امروز گوشت رومی خورن، تا چند ماه بعد پولش رو پس می‌دن. 🐮
- اصلاً چه اصرار به؟ حبوبات هم پروتئین داره، هیچ فرقی هم با گوشت نداره. ملت یه عدس پلو بزنین، همون کار کباب رومی کنه. 🍲
- من ایده بهتری دارم‌ها، من هر روز صبح توی مسیر کلی موسیقی کوتفی می‌بینم. به نظرم مجوز شکار بدیم، مردم خودشون گوشتشون روتا مین کنن. 🐮
- خاک عالم! یعنی مردم توی خیابون موسیقی هاوتقی هاروبزنین؟! 🤖
- این چه وضعشه؟ چارتا مشهدی توی این دولت نیست! موسیقی کوتفی همون یا کریمه دیگه! 🐮
- آها! الان شد! عالیه. آقا من خودم سلطان تله‌گذاری ام. یه روز بریم براتون باسبد شکار می‌کنم. 🐮
- من هم آب لیمو و ادویه می‌آرم، مزه دار کنیم. 🍋
- خب مشکل گوشت حل شد. پس همه بیاین حیاط پشتی دولت، اونجا دور هم یه شکار مختصر می‌زنیم، بعدش هم مسکن و تورم رو همون جا جمعش می‌کنیم. 🐮
- منم کاغذ میارم اسم فامیل بازی کنیم. 🐮

واشننگتن پست: ترامپ در ترکیه از ترس ایران با کامیون حمل غذا جابه‌جا شد. (خبر فوری)

آنان که شقی‌ترند، منفورترند
بایست بترسند اگر در سفرند
حیف است برایشان تریلی، باید
با کامیون حمل زباله ببرند

ارگاه تجرید نظر آمریکاجو ساخت و ساز سالن رقص ترامپ را گرفت. (آخرین خبر)

عده‌ای رام و مطیع و منتر خاص من‌اند
چون به ساز بنده می‌رقصند و بشکن می‌زنند
ای که می‌خواهی ببندی سالن رقص مرا
پس کجا قومی برای بنده خوش رقصی کنند؟

ثابتی: اعتقاد ندارم که هنر را باید به دست هنرمند بسپاریم. (فارس)

هر که آمد حق ما را روز روشن خوب خورد
بعد آن هم باقی‌اش را با خودش برداشت برد
ثابتی! ثابت نمودی با چنین فرمایشی
کار را بایست در اینجا به نااهلش سپرد!

کریستیانو رونالدو سرانجام با جورجینا ازدواج کرد (خبر ورزشی)

ما به بهت و شگفتی آی کریس!
فکر می‌کردیم سفتی آی کریس!
صبر می‌کردی و با فرزند خود
مجلس‌ت را می‌گرفتی آی کریس!

پشت پرده جلسه محرمانه جوان سازی جامعه

گپ (۱)

معاون ستاد ملی جمعیت گفته است تا چند دهه دیگر متوسط سن مردم ایران چهل سال خواهد شد. البته اینکه فرموده اند «چند دهه دیگر» خبر خوبی است که به احتمال زیاد بخش اعظمی از ما تا آن موقع نخواهیم بود و دور از جان شما. به رحمت ایزدی پیوسته ایم و قرار نیست حرص بخوریم! ولی به هر حال خبر خوبی نیست و پیرشدن جامعه ترسناک است؛ حتی ترسناک تر از پیرشدن خود آدم. آدم اگر خودش پیر شود، با یک عصا و سمک و فوفش پوشک بزرگ سال، کار را جمع می کند، ولی جامعه پیرکارش با این چیزها راه نمی افتد. به هر حال به طور نامحسوس در یکی از کارگروه های جوان سازی جمعیت شرکت کردیم تا بفهمیم برای جلوگیری از پیرشدن جامعه چه تدابیری می اندیشند.

بهروز چطور



۲۴ مرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۶

۴

رئیس کارگروه: خب دوستان، اگه پذیرایی تون تموم شد، جلسه رو شروع کنیم...
عضو یک: م م م... اجازه بدین... خرج خرج خرج... دهنم پره...
عضو دو: حاج آقا تا شما دستور جلسه رو بفرمایین، کار ما هم تموم می شه.
رئیس: دستور جلسه جلوگیری از پیرشدن جامعه و تسریع در امر جوان سازی است.
عضو سه: ببخشین حاج آقا، شما خودتون این کاره این و خدا رو شکر به مدیر تراز هستین. ما نباید به این بحث ورود کنیم. اشکال داره، جایز نیست.
عضو چهار: یعنی چی؟ از چه نظر؟ منظورتون اینکه که اجازه ندیم جامعه جوان بشه؟
عضو سه: نه عزیز جان. ما طبق نکاتی که از قدیم داشتیم، همیشه دوستانمون رودعای کردیم که «الهی پیر بشین... خدا پیرت کنه...». ما حق نداریم برخلاف این دعاها عمل کنیم.
عضو یک: مهندس، بی خیال... خخخ... داری پیر می شی...
رئیس: دوستان احترام جلسه رو نگه دارین...
عضو یک: منظورتون احترام ریش سفید و پیراست؟

خخخ!
عضو پنج: همکاران عزیز، من دیرم شده و باید به جلسه بعد که کارگروه قیمت بنزین برسم. لطفاً زودتر جلسه رو جمع بندی کنین.
عضو دو: چرا من رو توی کارگروه قیمت بنزین دعوت نکردن؟ من هم شماها رو توی جلسه کمیته مد و پوشاک دعوت نمی کنم!
عضو چهار: این حرفا واقعا زشته دوستان. ما جمع نخبگان مملکتیم. برای به نتیجه رسیدن جلسه من چندتا پیشنهاد دارم؛ اول اینکه به زوجای تازه عروس و دامادوام فرزندآوری بدیم، به بچه سوم به بعد تسهیلات بدیم، برای خرید جهیزیه هم کارت و سبد کالا در نظر بگیریم، مسکن ارزان در نظر بگیریم، برای مهریه سقف بذاریم تا پسرودخترا راحت تر ازدواج کنن، تالارهای ازدواج گروهی بسازیم، برای...
عضو یک: حاجی ما رو گرفتی؟!
عضو شش: واقعا متأسفم...
عضو سه: شما برای خودت متأسف باش که فقط دوتا بچه داری!
رئیس خودکارش را روی میز می گوید: آقایون، آقایون! به عنوان پیشنهاد چندتا راهکار می دم...

عضو پنج: بله آقا، زود بدین که بریم.
رئیس: برای جوان سازی جامعه و جلوگیری از پیرشدن متوسط سن مردم باید راه های جلوگیری از بارداری رو از بین ببریم. مثلاً قرصا رو پیش از توزیع، توی انبار نگه داریم تا تاریخ مصرفشون بگذره و بعد بخش کنیم تا اثر نداشته باشن. از طرف دیگه، به هر حال هرکسی به عمری داره که سرانجام تموم می شه. طول عمر مهم نیست، مهم عرضه. باید با رعایت احترام سالمندان، کاری کنیم که تعدادشون کمتر بشه. این عزیزان آفتاب لب بوم هستن. خدا به عمرشون برکت بده، ولی به هر حال شتریه که در خونه هر پیرمرد و پیرزنی می خوابه. این طوری میانگین سن شهروندان هم پایین می آد. به راه دیگه هم هست؛ اینکه به دوستان قانون گذار بگیریم همکاری کنن و قانونی تصویب کنن که به هر نوزاد تازه متولد، بعد از مثلاً ۱۰ سال شناسنامه بدن. به همین راحتی متوسط سن جامعه ۱۰ سال کمتر می شه.
همه اعضا: به به... بسیار عالی...
رئیس: خب دوستان اگه موافقین، صورت جلسه کنیم و تمام.
عضو یک: خیلی هم خوب. ناهار چی داریم حاجی؟



کارتون: شهرام شیرزادی

فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

گزارشی از یک عروسی کوچک
یک برلیان ساده!
۵۰ قیراطی

یک کشور کوچک را به ورطه نابودی بکشاند. حاضران در صحنه گزارش می دهند که جورجینا رودریگز، پس از ۱۰ سال انتظار برای حلقه رؤیایی، چنان با احتیاط و وسواس با آن برخورد می کند که گویی اگر یک بار دیگر آن را به دستش بیندازد، ممکن است به سرنوشت شخصیت های فیلم ارباب حلقه ها دچار شود.

شاهدان عینی اظهار کردند که تعریف رونالدو و

به گزارش سیلپ نیوز، مراسم ازدواج کریستیانو رونالدو و جورجینا رودریگز که برای برگزاری در مادیرا برنامه ریزی شده، به طرز عجیبی در حال تبدیل شدن به بزرگ ترین پروژه ملی تاریخ پرتغال است. این مراسم که رونالدو اصرار دارد کوچک و بی حاشیه باشد، از نظر حجم هزینه های جانبی و ترافیک ناشی از سلفی بگیران، هم اکنون در صدر فهرست رویدادهایی قرار دارد که می تواند اقتصاد

راهکارهای هوش مصنوعی برای افزایش ارزش کالا بزرگ

تیرک (۲)

عبید ماکارانی

با وجود اجرای سیاست‌های حمایتی معیشتی مانند پرداخت یارانه و کالا بزرگ کارشناسان معتقدند به دلیل کنترل نشدن تورم، هنوز قدرت خرید مردم در سطح انتظار نیست و تأثیر این کارها در معیشت مردم کم‌رنگ شده است. خیلی اتفاقی به چت‌های یک مدیر کالا بزرگی با هوش مصنوعی دست پیدا کردیم که با هم آن را مرور می‌کنیم تا بفهمیم مدیران برای حل مشکلات مردم چقدر تلاش می‌کنند.



از کجا بدونی اون
هوش مصنوعی بدبخت؟ از اثبات
نظریه نسبیت من هم سخت‌تره! اون
آدم نیست، شما که سؤال می‌پرسین
آدم باشین لااقل!

من فقط
پرسیدم با این کالا بزرگ
فعلی چطوری می‌شه
همون چیزایی رو
بخریم که چند ماه قبل
که قیمتا نصف الان بود
می‌خریدیم.

خرج کنین، باید تورم رو کاهش بدین.

مدیر: ضرب زدی! این رو که خودمون می‌دونیم.

هوش مصنوعی: می‌خواهی چند روش کاهش تورم رو برات توضیح بدم؟

مدیر: خودم بلد، ولی امکان پذیر نیست. به راه دیگه بگو به جز کاهش تورم که شدنی باشه. حاشیه هم نرو، سریع بگو.

هوش مصنوعی پس از ۱۰ دقیقه تفکر: بله، حتما.

مدیر: خب چی شد؟ زود باش!

هوش مصنوعی: باشه مدیر... (۱۰ دقیقه بعد) برای افزایش ارزش کالا بزرگ باید ارزش پول ملی رو بالا ببرین. می‌خواهی تصویر کارتونی برای افزایش پول ملی بسازم که خودت در حال گذاشتن چند صفر روی اسکناس هستی تا بادی‌دانش خوش حال بشی؟

مدیر: کارتونی می‌خوام چی کار؟ چند ساعت دیگه جلسه دارم. راهکار بده چی کار کنم ارزش یارانه زیاد بشه.

هوش مصنوعی: چه سؤال خوبی پرسیدی...

مدیر: خب چی شد؟

هوش مصنوعی: متأسفانه شارژ امروز شما تمام شد. برای پاسخ به این پرسش طرح پرو را باید بخرید.

خوش مزه بهت بدم؟

مدیر: دستور پخت غذا برای چمه؟ این چرت و پرتا چیه؟ اگه پول داشتیم که دستمون کج نیست، خودمون بلدیم مبلغش رو اضافه کنیم.

هوش مصنوعی: چه مثال جالبی زدی مدیر. می‌خواهی برات توضیح بدم دستمون کج نیست یعنی چی؟ این کنایه است از...

مدیر: نه، اصلاً نمی‌خوام! بهم بگو بدون اینکه مبلغ یارانه و کالا بزرگ رو اضافه کنیم، چطور ارزشش رو بالا ببریم؟

هوش مصنوعی پس از یک دقیقه تفکر: برای این سؤال خیلی جست‌وجو کردم و این راه به ذهنم رسید. می‌خواهی الان راه رو بهت بگو؟

مدیر: چرا این قدر می‌پیچونی؟ زود بگو. فردا صبح با آقای دکتر جلسه داریم، باید راه حل بدم بهشون.

هوش مصنوعی پس از یک دقیقه تفکر: بله، حتما. منظورت از آقای دکتر، همون آقای...

مدیر: به جای طفره رفتن و وقت تلف کردن، جوابم رو بده!

هوش مصنوعی: متوجه شدم. برای اضافه کردن ارزش کمک‌های دولتی به مردم، بدون اینکه لازم باشه پول

مدیر: سلام هوشی، مردم شاکی شدن که دیگه یارانه و کالا بزرگ گرهی از کارشون باز نمی‌کنه. چی پیشنهاد می‌کنی؟

هوش مصنوعی: سلام مدیر. چه سؤال خوبی پرسیدی! منظورت از یارانه و کالا بزرگ چیه؟ می‌شه بیشتر برام توضیح بده تا کمکت کنم؟

مدیر: نشد به بار ازت چیزی بپرسم و راست و درست بهم جواب بده. اگه بلد نیستی، بگو بلد نیستم. یارانه همین چند مثقالیه که هر ماه به حساب مردم می‌ریزیم. کالا بزرگ هم همون اعتبار خرید ماست و ماکارونیه.

هوش مصنوعی: آهان، متوجه شدم. برای افزایش ارزش یارانه باید مبلغش رو اضافه کنی. یعنی به جای ۳۰ هزار تومنی که الان به مردم می‌دین، باید مطابق تورم و مثلاً ۳۰ میلیون تومن ماهانه بدین تا بتونن باهاش اقلاً به کاری بکنن. برای کالا بزرگ هم باید اعتبارش رو افزایش بدین. طبق محاسبات من، الان با این مبلغ کالا بزرگ می‌شه به قالب پنیر، به بسته لوبیاچیته، نصف بطری روغن مایع و دو پیما نه برنج خارجی خرید. البته الان شد به پیما نه برنج. می‌خواهی با این مواد اولیه به دستور پخت غذای

۵

۲۴ مرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۳۶

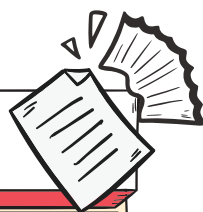
پایه ۴



مهمان دعوت می‌کند که بتواند هزینه‌اش را از طریق تبلیغات برند مراسم در همان شب تأمین کند. در همین حال، به گفته یک منبع آگاه ارزش سهام صنعت عروسی‌های نمایشی در پی انتشار این اخبار تا حد زیادی سقوط کرده است. زیرا همه می‌دانند پس از رونالدو، دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند عروسی بگیرد و ادعای لاکچری بودن کند.

دیدن زرق و برق سالن، دچار حملات قلبی ناشی از نابرابری اقتصادی شوند. یک تحلیلگر سبک زندگی لاکچری در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: اشتباه مردم این است که فکر می‌کنند عروسی یک پیمان دوطرفه برای شروع یک زندگی است. در دنیای مدرن امروز، عروسی یک رویداد برندینگ برای جذب اسپانسر بعدی است. وقتی رونالدو می‌گوید عروسی کوچک، یعنی صرفاً به اندازه‌ای

جورجینا از عروسی ساده، با تعاریف موجود در کره زمین متفاوت است. رونالدو در مصاحبه‌ای با لبخند و زاویه فک خاصش، گفته است: «مایک عروسی ساده می‌خواهیم». طبق پژوهش‌های ما در فرهنگ سلبریتی‌ها، ساده یعنی فقط سیصد مدل گل نایاب آفریقایی، یک کیک به ارتفاع برج ایفل و مهمان‌هایی که برای حضور در مراسم باید تست شخصیت و دارایی بدهند تا مبادا با



ترامپ:

کنترل کامل تنگه هرمز در دست ماست

ولی چون باتری مملی نداریم، کنترل کار نمی‌کند

رئیس اتحادیه طلا و جواهر:

مردم

بادیدن قیمت

ارزان و مفت طلا

مراقب خرید طلای

باشند قندتوی دلشان

آب شده باشند

نشود تا ریابت نگیرند

ایرج قدر، وزیر صمت:

پاکستان شریک راهبردی و صمیمی است که حتی
بایمان را هم جلوس دراز شده ایران است می‌کنیم

پزشکیان:

محاسبات دشمنان که مبتنی بر هوش
اکریگل مصنوعی بود، نقش بر آب بدهند و شد
می‌کند اشتباه بود

سی‌ان‌ان:

ترامپ به دنبال راه صاف کردن آن بخش از
موهایش که فرار از جنگ با ایران
خورده

سعدی:

قطعی برق در مراکز

مهارفلا جواد

باعث نمی‌شود تا مردم

نکونام

را به تلویزیون نبرند

خرس کالیفرنایی

برای فرار از گرما وارد

انتخاب گزیده اسنپ اکوبلاس که

کولر روشن می‌کند

استخر همسایه شد



۲۴ مرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۶

آرش آرپایی

یرگه

در حاشیه ادعای ترامپ

مبنی بر کنترل تنگه هرمز و آخرین فرصت ایران برای تسلیم.



ناسوس

دادگاه تجدیدنظر آمریکا

جلو ساخت و ساز سالن رقص ۴۰۰ میلیون دلاری ترامپ را گرفت.
(آخرین خبر)



پرورارجمند



وحید خضاب

فراموش نکنیم ترامپ به
بنگاهی بساز فروشه، جایی
نمی‌خواه که زیرش آب بره.
سالن روی سازه توش برقصه
شبابش جمع کنه بزنه توی بیژنیس
و خرید تسلیحات علیه ایران. عین
اینفانتینو دادگاه تجدیدنظر رو هم
خریده، وگرنه دادگاه مادگاه مال
اسقاط کافه خیارات و استخلاف و
خیار غبن و ایناست. رقص هم مگه
تجدیدنظر داره؟ داره با شانتاژ
و مظلوم نمایی رأی دموکراتا رو
می‌خرد.



مردادیان

آدم اگه رقص
بلد باشه، روی
زمین کج
هم بلده برقصه.
نور به قبرش بباره، مایکل
مگه سالن داشت؟ مون
واک می‌کرد نیوتن توی گور
رگ به رگ می‌شد. خود من از
زمین خاکی شروع کردم. حالا
از این حرفا گذشته، اینا اگه
سالن رقص ساز بودن تا حالا
ساخته بودن! اینقدر شل کن
سفت کن درنمی‌آوردن!

گوشتم بدھکار نیست!

اوج تابستان؟! بعد دیدم همسر با چهره‌ای عصبانی و داد زدن دارد جلو می‌آید! گفتم حتما کابوس دیده! یا باز با مادرم تلفنی صحبت کرده است! آخر، آن وقت صبح؟! صبح زود مگر می‌شود کابوس دید؟! تازه آن وقت بود که فهمیدم چیزی نمی‌شنوم. همسر روی کاغذ برایم نوشته بود که چندبار صدايت زدم، یک مرگي شده حتما! من هم نوشتم خوبی‌اش این است که سرعت نوشتن غرھایت به سرعت گفتنش نمی‌رسد! او هم ناراحت شد و رفت که زنگ بزند به مادرم و گله و گله‌گذاری. نمی‌دانم که هنوز سمعک مادرم را درست نکرده‌ام! بی‌صدا شده بودم، ولی خب باید می‌رفتم سرکار پس تصمیم گرفتم هدفون عروسی دخترم را بزنم که مثلا دارم موسیقی گوش می‌کنم و صدای کسی را نمی‌شنوم! داخل تاکسی اینترنتی، گلايه‌های راننده از گرانی و هزینه تعمیر خودرو و تحلیل‌های صدم‌ناکاشی یک‌غازش را نشنیدم، بوق‌های بی‌موردش برای بقیه را نیز و در اداره، تمسخر پاسکاری‌های ارباب رجوع توسط همکارانم را و اخبار تکراری تلویزیون در هنگام صرف ناهار در اداره رانیز ولی در پایان همان روز، همکار نزدیکم که فقط او از ماجرا باخبر شده بود، گفت رئیس مرا خواسته و قرار است مأموریت مهمی به من محول کند. رفتم اتاق رئیس اداره و با حدس و گمان بله و خیر گفتم و موفقیت‌ها و شکست‌های احتمالی‌اش در این پروژه را شانس‌ی تقبیح و تحسین کردم! و در نهایت مأموریت را قبول کردم! و چندین برگیه به من داد و از اتاق آمدم بیرون! (ادامه دارد...)

روزهای من عجیب آغاز می‌شود. هر روز که از خواب پا می‌شوم، یک چیزی را ندارم، دوباره فردایش دارم! فراتر از چیزهایی که همیشه نداشتم! پول، مقام، تحصیلات، دوست، رو، آبرو، جنم و هر حرف زشتی که به ذهنتان می‌رسد! این‌ها را هیچ وقت نداشتم! ولی مدتی است که هر روز چیز دیگری غیر از این‌ها ندارم و فردا آن را دوباره دارم! و به جای آن، باز یک چیز دیگر ندارم! ولی همه این‌ها نشانه است! از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان، من آدم نشانه‌بازی هستم!

مثلا امروز صبح، شنوایی‌ام را از دست دادم! گوشتم دیگر چیزی نمی‌شنید. من به عادت همیشگی صبح‌ها، پیچ رادیو را باز کردم تا ببینم چشمان ما که دیشب بسته بوده، جای خاصی باز شده است؟! مثلا تنگه هرمز یا دهان ترامپ. که لازم باشد ببندیمش یا نه، که دیدم چیزی پخش نمی‌کند. چند بار توی سر رادیو زدم، دیدم نه، صدایی ازش در نمی‌آید. توری از موبایلم به چشمم خورد. چند تا میس کال داشتم. نفر بعدی داشت زنگ می‌زد، طلبکارم بود، ولی صدایش نمی‌آمد! می‌دانم گوشت من بدھکار حرف‌هایش نیست! چون فکر کردم قطعی از خود خط‌باشد، با خودم گفتم اپراتورهای تلفن همراهان آن قدرها هم که می‌گویند، بد نیستند! البته پرداخت نشدن قبض و یک طرفه شدن خط هم آن قدرها بد نیست! از آن طرف تعجب کردم چرا صدای همسر و بچه‌هایم نمی‌آید! نکند گاز گرفتگی از بخاری‌ها باشد در



سختگوی دولت: خیلی تبریک می‌گم. ما هم از طرف دولت بهتون میل‌گرد می‌دیم تا آشیانه عشق‌تون رو زودتر برپا کنید. ❤️👍

نعمیه نظام دوست: خدایی ش شوهر باشه، من خودم با چارده تا کیسه گچ هم ازدواج می‌کنم. 🧱

پزشکیان: خدا رو شکر می‌کنم توی دولتم حداقل قیمت سیمان هنوز اون قدر بالا نرفته که مردم می‌تونن به هم سیمان هدیه بدن. 🏠

سختگوی قوه قضائیه: عروس خانوم فقط دقت کن که مطابق قانون جدید، قوه قضائیه چارده تا کیسه سیمان رو عندالمطالبه می‌پذیره. بقیه عندالاستطاعه ست. ⚖️

میرسلیم: خدایی ش کار خوبی کرد. اگه تلامی خواست بگیره، حداکثر دویست گرم بهش تلامی رسید. الان این جوری ۵ هزار و ۷۰۰ کیلو سیمان داره. سیمان و تلامی که تفاوت فاحشی با هم ندارن.

جورجینا: باتشکر از خانومای ایرانی که بهم یاد دادن رونالدو باید باهام ازدواج کنه. این مهریه دیگه چیه که این رو هم از آقای کریس بگیرم. 🏆

آتولا (همسر مسی): شیربهارو هم باید بگیری از ش گلم. من به دوست ایرانی دارم، همه اینا رو بهم یاد داد. تازه حق طلاق هم از لیونل گرفتم. 🏴󠁧󠁢󠁥󠁮󠁧󠁿

رافائل گروسی: ببینین این ایرانی این جوری موقع عروسی با بتن آشیانه عشقشون رو مقاوم می‌کنن. مراکز هسته‌ای رو چه جوری مقاوم کردن دیگه. من خیلی نگرانم. 🇮🇷

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

خبرنگار: گرانی‌ها را کمی توضیح می‌دهید؟
سختگوی دولت: گرانی‌ها قبلا توضیح داده شده؛ گرانی‌ها ناشی از فشار اقتصادی است.



خبرنگار: درباره سقوط ارزش پول کمی توضیح می‌دهید؟
رئیس بانک مرکزی: وقتی اجسام از ارتفاع بلند به سمت پایین شتاب می‌گیرند، سقوط رخ می‌دهد. البته ریال قبلا هم پایین بود و چون از بلندی سقوط نکرده است، نمی‌شود گفت سقوط!

خبرنگار: درباره حباب قیمت مسکن و اقدامات خودتان کمی توضیح می‌دهید؟
وزیر راه: حباب قبلا توضیح داده شده؛ به نازک‌های کروی شکل از آب و صابون که پر از هوا هستند، حباب می‌گویند و نباید با سوزن به آن دست زد که ما هم اصلا و ابدا دست نزدیم!

خبرنگار: درباره ترافیک توضیح می‌دهید؟
پلیس راهور: ترافیک یعنی همه هم‌زمان می‌خواهند جلو بروند، ولی چون ماشین جلویی، همان جلو ایستاده است، بقیه هم می‌ایستند و ما هم برای حلش می‌گوییم: پراید حرکت کن، پراید!

خبرنگار: افت شدید معدل دانش آموزان در امتحانات نهایی را توضیح می‌دهید؟
وزیر آموزش و پرورش: وقتی مجموع نمرات بر تعداد دروس تقسیم می‌شود و عدد حاصل کمتر از پارسال می‌شود، به آن افت معدل می‌گویند که کاملا بی‌خطر است، چون بابتش نه استیضاح می‌شوم، نه بازخواست!

خبرنگار (بعد از حواشی پژمان جمشیدی): جریان را کمی توضیح می‌دهید؟
پژمان: جریان قبلا در فصل چهارم کتاب علوم تجربی کلاس ششم توضیح داده شده است؛ به حرکت الکترون‌ها در مدار الکتریکی، جریان می‌گویند.



کارتون: شهرام شیرزادی

ایده: تحریریه پلخمون

کمیک



مجید رحمانی صانع

لسان العیب

اندر حکایت قطعی برق!

بیاین یه بار هم که شده به جای نیمه خالی لیوان، نیمه پراون رو ببینیم. همین قطعی برق خودش کم فایده داره؟ حالا برای همه نه ولی برای بعضیا داره دیگه! مثلاً:

خواستگاری



دزدی



برخی ادارات



باشگاه داری



کم شدن نگرانی پدران



آرایشگاه



دام زنده قیمتی کاهشی دارد اما گوشتش افزایشی است. (خبرآنلاین)

برعکس!

می کند زشت از نکورو، دلربایی بیشتر می کند در جمع اغلب خودنمایی بیشتر

شخص پیزوری بداندام لاغرمردنی با دلبران می کند زورآزمایی بیشتر

زور می گوید بشر وقتی سرش پر باد هست اهل هرجایی که باشد، آمریکایی بیشتر

گرچه رفته آبرویش از شکستی مفتضح باز اما می کند لشکرکشایی بیشتر

گرچه می باشد سرش خالی، امان از های وهوش طبل تو خالی بله، دارد صدایی بیشتر

کار دنیا هست برعکس، از قضای روزگار هست برعکسی آن اینجا خدایی بیشتر!

خودرو صفری که من دیشب خریدم دارد از خودرو بابا بزرگم دودزایی بیشتر!

فیلم های طنز ما هستند اغلب گریه دار خنده دارد ترسناک آن، جنایی بیشتر!

شهریه ها رفته بالا در دبیرستان اگر کالج از آن کمتر است و ابتدایی بیشتر

در اداره، ابتکار و همت و هوش زیاد راه انداز است اغلب، پول چایی بیشتر

پس نکن دیگر تعجب گر که اینجا گاو ما مرده اش از زنده اش دارد بهایی بیشتر

شوخی



الهی!

به نیت پاداش ۷۰ میلیارد تومانی سرمربی تیم ملی فوتبال، تو را ۷۰ میلیارد بار شکر می گویم که دولت می خواهد از یارانه دهک های بالا بکاهد و به یارانه دهک های پایین بیفزاید.

پلخمون

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمحمّد موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضحاک؛ ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی زنجی راد
مدیر هنری: سید هاشم دلفین
گرافیک و صفحه آرایی: ملک جمعی
ویراستاری: علیرضا میرزاد

پیمانک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا

